خط و زبان سغدی

از مردم سغد برای نخستین بار در سنگ‌نبشته‌های هخامنشی یاد شده است. در نوشته‌های داریوش بزرگ و خشایارشا بارها از استان Sug(u)da به عنوان بخشی از امپراتوری بزرگ پارسی نام برده شده است. در اوستا، هم به کشور سغد و هم به مردمان آن با نام –Suγδa اشاره می‌گردد. هردوت در فهرست اقوام فرمان‌بردار پادشاهان هخامنشی نام سغد را ثبت کرده است، و به نوشته‌ی منابع دیگر یونانی، حد سرزمین سغد در جنوب، رود سیحون و در شمال، رود جیحون بوده است. استرابو توجه داده است که مردم هرات، بلخ، و سغد به زبان‌های مشابهی سخن می‌گفتند و گفتار یک‌دیگر را درمی‌یافتند.

سغدی‌ها نقش مهمی را در تجارت میان چین و آسیای مرکزی ایفا می‌کردند. دین این مردمان، که در سده‌های یکم تا سوم م. در شرق ترکستان ساکن بودند، بودایی، مانوی، و مسیحی بود. پس از سقوط امپراتوری پارس در سده‌ی چهارم پ.م.، بر سغد، به طور متوالی، یونانیان، یوئه – چی‌ها، شاهان کوشانی، ساسانیان، هفتالیان، و ترک‌ها فرمان می‌راندند، و سرانجام تسلیم مغولان شدند. ازبکستان کنونی جایگاه سغد باستانی است.

زبان سغدی. زبان سغدی شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی است که زمانی مردمانی ایران‌تبار بدان سخن می‌گفتند. این زبان به سبب اهمیت خود به عنوان ابزار انتقال فرهنگ، ادب، و تجارت به مردمان همسایه، به ویژه ترکان، یکی از مهم‌ترین زبان‌های ایرانی شرقی به شمار آمده است. گستره‌ی زبان سغدی در غرب با حوزه‌ی زبان فارسی مجاور بود و تا کناره‌های چین در شرق امتداد داشت. نخستین دانسته‌های مستقیم از زبان سغدی، از مجموعه‌ای که اصطلاحاً «نامه‌های باستان» خوانده می‌شود، حاصل می‌گردد. این اسناد در سده‌ی بیستم میلادی در شرق ترکستان یافته شدند و به نیمه‌ی نخست سده‌ی سده‌ی چهارم م. متعلق‌اند. با وجود این، عمده‌ی آثار سغدی به سده‌ی ششم تا نهم م. تعلق دارند. منابع اصلی زبان سغدی عبارت‌اند از: نامه‌های باستان، اسناد به دست آمده از تاجیکستان، صخره‌نبشته‌های شمال پاکستان، و متون دینی بودایی، مانوی، و مسیحی. نکته‌ی مهم آن است که متون دینی سغدی را نمایندگان هر یک از دین‌های وابسته، به الفبای متفاوتی نوشته‌اند. اگرچه انتظار می‌رود که زبان سغدی در مناطق جغرافیایی مختلف دارای گویش‌های متفاوتی باشد، اما این تفاوت‌های گویشی نسبتاً اندک‌اند.

زبان سغدی در پایان سده‌ی دهم م. رو به زوال و فراموشی نهاد. با وجود این، این زبان تا سده‌ی ۱۳ م. در منطقه‌ای کوچک‌تر به کار می‌رفت. گویش یغنابی (Yaqnabi)، که هنوز در تاجیکستان بدان سخن گفته می‌شود، زاده‌ی مستقیم گونه‌ای از زبان سغدی است.

خطوط مانوی. صرف نظر از متنی منفرد به خط برهمی (Brahmi)، همه‌ی متون سغدی بدین خطوط متفاوت نوشته شده‌اند: نامه‌های باستان، سغدی، مانوی، سریانی.

خط نامه‌های باستان: خطی است سرچشمه گرفته از گونه‌ای خط آرامی که برای نوشتن «نامه‌های باستان» از آن استفاده شده است. خط آرامی در طی دوران هخامنشی در سغد معمول گردید، و احتمالاً در اواخر دوران پارتی برای استفاده‌ی زبان سغدی اصلاح و سازگار گردید.

خط سغدی: که به خط سوتره (sutra) نیز معروف است، به سان خط نامه‌های باستان برای نوشتن بر روی پاپیروس مورد استفاده بود. همه‌ی متون بودایی و نیز اسناد غیرمذهبی و عرفی مانند نامه‌ها، اسناد حقوقی، سکه‌نوشته‌ها، و سنگ‌نبشته‌ها بدین خط نوشته شده‌اند.

خط مانوی: املای مانوی هم از قواعد خط سغدی اثر پذیرفته است و هم از گونه‌های مانوی خطوط پارسی میانه و پارتی. این خط به لحاظ کیفی و کمی امکان نشان دادن واکه‌های (vowel) سغدی را ندارد.

خط سریانی: از این خط برای نگارش متن‌های مسیحی استفاده می‌شد و واکه‌های زبان سغدی را بهتر نشان می‌دهد. دبیران و نویسندگان مسیحی سغدی سه حرف جدید را به الفبای ۲۲ حرفی سریانی، به جهت متمایز کردن هر چه بهتر هم‌خوان‌های (consonant) سغدی، افزودند.

به سبب پیوندهای بسیار نزدیک و میان‌کنش‌های گسترده‌ی زبان‌های سغدی و فارسی (دری)، شماری از واژگان سغدی به زبان فارسی راه یافته‌اند، از جمله: آغاز، مل (= شراب)، ریژ (= کام)، کاس (= خوک)، پتفوز (= دهان، پوزه)، ژغار (= فریاد)، برخی، فام، فژ (= پلیدی)، یافه (= گم‌شده)، آرغده (= حریص)، اسغده (= آماده)، فغ (= بت)، فرخار (= معبد)، و...

یکی از متن‌های کوتاه مانوی سغدی، داستان «سه ماهی» است که در مثنوی مولوی (دفتر چهارم، بیت ۲۲۰۲ به بعد) و

کلیله و دمنه نیز به جای مانده است، و به شیوه‌ای تمثیلی، فواید خردمندی را شرح می‌دهد: «تالابی بزرگ بود، و در آن سه ماهی وجود داشت. نخستین ماهی تک‌فکر بود (دانا)، دومین ماهی صدفکر (نادان) بود، و سومین ماهی هزارفکر (بسیار نادان) بود. در آن زمان ماهی‌گیری آمد و تورش را [در آن تالاب] افکند. او آن دو ماهی بسیار فکر را گرفت، اما نتوانست ماهی تک‌فکر را بگیرد».